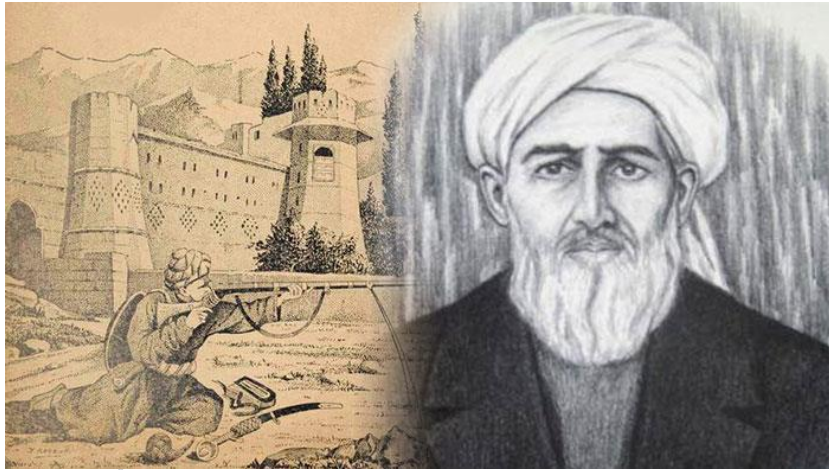


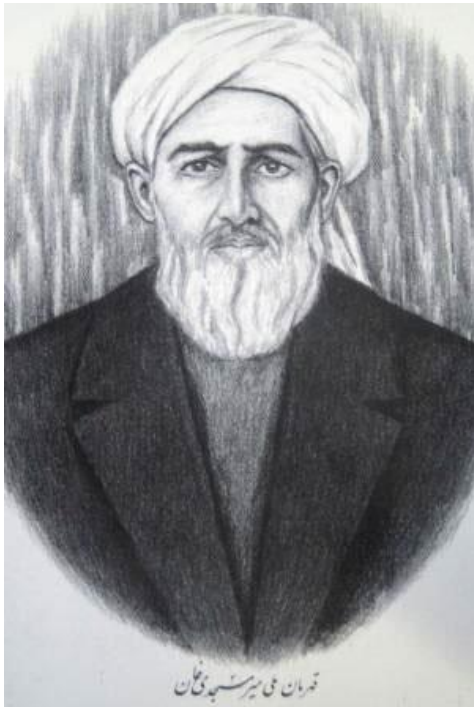


زبان فارسی دری

میر مسجدی خان، قهرمان نامدار جنگ اول افغان - انگلیس



میر مسجدی خان غازی یکی از قهرمانان واقعی کشور ماست که با نثار جانش علیه انگلیس‌ها همچو صخره استوار رزمید. حماسه رزمی میر مسجدی شهرت جهانی دارد، وی با یاران دلیرش توانسته بود کمر دشمن را در مناطق کوهستانی بشکند. شجاعت و از خودگذری او در جنگ اول افغان- انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) باعث محبوبیت وسیع وی بین مردم گردید که به همین دلیل در اشعار فلکلوریک و حماسی منحیث قهرمان ملی مورد بزرگداشت قرار گرفته است.



میر مسجدی خان در واقع از نخستین کسانی بوده که علیه سلطه انگلیس و غلام شان شاه شجاع پرچم مبارزه برافراشته ضربات سختی به انگلیس‌ها وارد نمود.

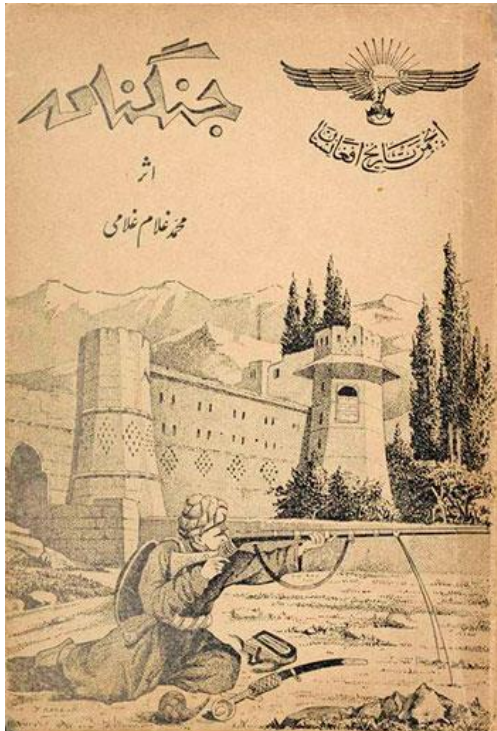
لیدی سیل، خانم جرنیل سیل از صاحب منصبان انگلیس در کابل بود که چشم دیدش از جریانات روزانه جنگ اول افغان انگلیس را در کتابی تحت عنوان «مصائب در افغانستان» (که تحت عنوان «شبخون افغان» به دری به چاپ رسیده) شرح داده است. او ضمن اعتراف بر رشادت افغان‌ها در جنگ علیه بیگانگان، در بخشی از خاطراتش می‌نویسد: «...نگهداری شاه شجاع به وضعیت موجوده بجز اینکه ما انگلیس‌ها خود را بی‌عزت و وسیله اغتشاش عمومی را فراهم می‌نمودیم دیگر چیزی تلقی و تعبیر نمیشد زیرا شورش برپا و در راس آن میرمسجدی خان قرار داشت.»

میر غلام محمد غبار کارنامه پرافتخار میرمسجدی را در اثر ماندگارش «افغانستان در مسیر تاریخ» به ثبت رسانیده است.

(سید میر مسجدی خان مشهور در قلعه خویش در جلگه بحیث مرکز مجاهدین باقی

ماند. در این قلعه جنگی ۵۰ نفر مرد مبارز اقامت داشت. انگلیس‌ها که تشنه خون میر مسجدی خان بودند و چندین هزار کلدان قیمت سر او را گذاشته بودند، بطور ناگهانی و مخفی در ۳ اکتوبر سپاهی قوی به این قلعه کشیدند و محاصره کردند. میر مسجدی خان با افراد خود در عقب تیرکش‌ها و برج‌های قلعه قرار گرفتند و جنگ آغاز شد. هیچ گله‌ئی از این مجاهدین خطا نمی‌کرد. اما توپخانه دشمن قابل دفاع نبود و توانست که دیواری از قلعه را بشکافد. پس سپاه انگلیس بالای این شکاف بزرگ ریختند. میر مسجدی خان و رفقایش با سیلاوه‌های ثقیل دهنه شکاف را سد کردند. دیگر آتش توپ و تفنگ از کار فرو ماند و جنگ تن به تن آغاز شد. دسته‌های دشمن یکی پی دیگری در دهنه شکاف می‌رسیدند و می‌جنگیدند. میر مسجدی خان زخم سختی از سر نیزه دشمن برداشته و در دهنه شکاف مثل شیر زخمی و خون چکان شمشیر می‌زد. سپاه انگلیس که چنین مقاومتی از یک عده چند نفری دید جرئت پیشروی را از دست داد، زیرا ضیق شکاف مجال هجوم دسته‌جمعی نمی‌داد. اینست که دسته‌های مهاجم به عقب کشیدند و میر مسجدی با رفقای خود از قلعه خارج شدند و به استقامت نجراب حرکت کردند. همین دلیری میر مسجدی خان بود که موضوع ترانه‌های حماسی کوهستان گردید. این ترانه‌ها بعد از بیشتر از صد سال هنوز در زبان مردمان این سرزمین ساری و جاری است. میر مسجدی خان بعد از چند روز که زخمش بسته گردید با یک عده مبارزین از نجراب به گلپهار برگشت و بیرق جهاد برافراشت.)

محمد غلام غلامی که شاهد رزم حماسی میرمسجدی خان بود، در اثر منظومش به نام «جنگنامه» شهادت و استواری او و یارانش را به تفصیل ثبت نموده است. وقتی لشکر چندهزاری انگلیس قلعه میرمسجدی را به محاصره درآورد، او به پسران و رزم‌آوران‌ش ندا سر داد:



بگفت آنزمان مسجدی که این سران
دلیران و شیران و جنگ‌آوران
بباید همه پایهداری کنیم
نباید که بی‌اعتباری کنیم
گریزید ریزید خوی از چین
ز شرم آبروی خود اندر زمین
...

چنین گفت آن مسجدی با سران
که ای کامگران نام‌آوران
نباشد کسی در جهان جاودان
چنین است امر خدای جهان
هر آنکو ز مادر بزائیده است
به آخر سرش خاک سائیده است
بود آنکه نامی به چنگ آوریم
شگفتی به خلق فرنگ آوریم
بباشید همه در جنگ پایدار
که این نام ماند زما یادگار

«جنگنامه» به مثابه مهمترین اثر حماسی جنگ دوران مقاومت علیه انگلیس‌ها، بیانگر قهرمانی و جانبازی‌های تاریخی ملتی است که برای آزادی و شرف خویش در برابر استعمارگران بیا ایستادند:

وزان بعد میر مسجدی کامگار
ابا نیز محمد شه نامدار
در آنجا که بود شان همیشه قرار
سکونت به نزدیکی چاریکار
بگفتند که جایگه بهر جنگ
نباشد سزاوار خیل فرنگ
نباشیم ز این پس در این جایگاه
که گردد همی کار بر ما تباه
بباشد یکی قلعه از بهر جنگ
بکوشیم چندی به خیل فرنگ
یک قلعه از مسجدی نامدار
همی بود در جلگه خضری کنار
پسندیدند آخر همه سرکشان
و از آن بعد آن مردم نامجو
سوی جلگه خضری بگردند رو

همی رفت آن مسجدی نامدار بهمراه پسر با برادر چهارشنبه

زنده یاد غبار در جای دیگری در مورد مبارزات میر مسجدی خان می‌نویسد:

«مردم کوهستان به رهبری مجاهد مشهور میرمسجدی خان و مردم نجر او بقیادت سلطان محمد خان برخاستند و به این صورت تمام قلعه‌های این ولایت شکل استحکامات جنگی اختیار نمود.»

قیام مردم کوهستان و نجراب که در راس آن میر مسجدی خان غازی و محمد شاه خان غازی و میر درویش خان (برادر میر مسجدی خان) قرار داشتند در طی نوامبر ۱۸۴۰ میلادی اوج گرفته و به کابل نیز سرایت می‌کند. انگلیس‌ها که در میدان نبرد نتوانستند میر مسجدی خان را از پا آورند، به توطئه‌ای برای گرفتن جان عزیزش اقدام کردند. موهن لال (جاسوس مشهور انگلیس که بالاخره توسط افغانها کشته شد) دست به کار شده و با پرداخت ده‌هزار روپیه به محمدالله، که از خدمت‌گاران میرمسجدی بود، او را مسموم نمود که در نتیجه به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۸۴۱ جان می‌سپارد. و به این صورت نام این فرزند اصیل وطن ما در صفحات زرین تاریخ به عنوان یک مبارز پرشور و استقلال طلب حک شد. میر مسجدی خان در جوار مرقد پدرش خواجه اسحق صاحب و نبیره آنها در حوضیه در قریه دهقاضی، یکی از قرای کوهستان پروان فعلی به خاک سپرده شده است.



جنگ اول افغان – انگلیس شرمسارانه ترین شکست انگلیس را در تاریخش رقم زد که از لشکر بیش از هفده هزار نفری اش فقط داکتر برابین اجازه داده شد جان به سلامت برده چشم دیدش از تار و مار شدن قشون انگلیس را به اربابانش برساند. این افتخار تاریخی در اثر جانفشانی و رهبری مدبرانه میرمسجدی خان و سایر سران جنبش ملی هریک امین‌الله خان لوگری، وزیر اکبر خان، محمدشاه خان لغمانی، سردار سلطان احمدخان، عبدالله‌خان اچکزی، محمد شاه خان غلجایی، سردار شمس‌الدین خان، نایب نواب محمد زمان خان، محمدشاه خان بابکرخیل و دیگران و به قیمت خون هزاران تن از پدران شجاع ما بدست آمد چون زندگی تحت حاکمیت اشغالگران بیگانه و نوکران داخلی‌اش را مایه شرمساری و ذلت تلقی می‌کردند.

منابع: گرفته شده از وبسایت حزب همبستگی افغانستان <http://www.hambastagi.org/>

نویسنده: بهروز پویان